

و آمد با لام آمد بی لام را از فعل مضارع  
 مخاطب معلوم می گیرند بدو عمل علی  
 اول آنکه نظر بآخر کلمه میکنند اگر صحیح باشد  
 ساکن میکنند و اگر ماقبل آخر متعلق ساکن  
 باشند بی اندازیم همچون قتل و بیع و اگر آخر  
 مدغم بود و از باب یفعل بضم عین بود  
 و در آخرش چهار وجه رواست ضم و فتح  
 و کسبه و تسکین بعد از فک او غام مثل  
 شد و شد و شد و شد و اگر آخرش  
 مدغم بود و از غیر باب یفعل بود در  
 آخرش سه وجه رواست فتح و کسبه و  
 تسکین بعد از فک او غام مثل فر و  
 افر و اگر آخرش متعلق بود بی اندازیم

ف

همچون ازیم و اذیم و اذخشن عمل دویم بلکه  
 حرف مضارعت است می اندازیم و نظر  
 بجایلی حرف مضارعت میکنند اگر متعلق  
 بود آمد تمام می شود مثل قتل و بیع و در  
 و اگر جایلی حرف مضارعت ساکن باشد  
 اگر از باب یفعل بضم عین بود بقره او  
 همزه مضمومه می آید همچون انصر  
 و اذقتل و اذبع و اگر از غیر باب یفعل  
 بضم عین بود بقره او همزه مکسوه  
 می آید همچون اذرب و اذعلم و اگر  
 صیغه از باب یفعل بود خواه جایلی حرف  
 مضارعت متعلق بود خواه ساکن  
 اول او همزه مفتوحه ساقطه می آید

ابتدای این مضارع  
 نظر باین می کنند

اس

س